

واکاوی مصادیق سه گانه ارتباطات غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی

چکیده

ارتباط غیرکلامی یکی از راه‌های ایجاد ارتباط در بین انسان‌ها است. در این نوع ارتباط، به رغم آنکه عنصر کلام دخالتی در انتقال پیام ندارد اما بعضاً میزان و عمق اثرگذاری آن بسیار بیشتر از ارتباط کلامی است. مسأله مهم کاربرد این شیوه از انتقال پیام به ویژه در جهت انتقال ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در میان ادیبان و شعراست. عرفی شیرازی، شاعر قرن دهم هجری، از جمله مشاهیر و ادبایی است که در غزلیات خود به کاربرد ارتباط غیرکلامی توجهی ویژه داشته است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی ماهیت و کنه هدف عرفی شیرازی از کاربرد ارتباط غیرکلامی در غزلیات خود می‌باشد. سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: «مهمترین مصادیق ارتباطات غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی کدامند؟» فرضیه پژوهش تأکیدی است بر این موضوع که قسمت مهمی از غم موجود در غزلیات عرفی شیرازی، غم عشق است که عرفی در غزلیات خود، با استفاده از ارتباطات غیرکلامی بدان توجه نموده است. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای نشان داد اولاً مصادیق زبان علامات در غزلیات عرفی شیرازی عبارتند از: ۱ حرکات و اشارات بدن ۲- ارتباط چشمی و ۳- حرکات و حالات چهره و ثانیاً کاربرد آگاهانه ارتباط غیرکلامی با عمده هدف انتقال مضامین غنایی صورت پذیرفته است. واژگان کلیدی: اخلاق، ارتباط غیرکلامی، تربیت، عرفی شیرازی، غزل.

Analyzing the Three Dimensions of Non-verbal Communication in 'Orfi Shirazi's Poetry

Abstract

Non-verbal communication is one of the ways to create communication between people. In this type of communication, despite the fact that the element of speech is not involved in the transmission of the message, sometimes the extent and depth of its effect is much greater than verbal communication. The important issue is the application of this method of message transmission, especially the transmission of moral and educational values among writers and poets. 'Orfi Shirazi, a poet of the 10th century of Hejri, is one of the famous and literati who paid special attention to the use of non-verbal communication in his sonnets. Based on this, the aim of the present study is to investigate the nature and root of 'Orfi Shirazi purpose of using non-verbal communication in his sonnets. The main question of the current research is: "What is the most important customary goal of using non-verbal communication in his lyric poetry?" The hypothesis of the research is an emphasis on the fact that 'Orfi Shirazi has consciously used non-verbal communication in his sonnets in order to achieve two big and main goals. The findings of this research, by using the descriptive-analytical method and library sources, showed that firstly, the examples of sign language in 'Orfi Shirazi poetry are: 1. body movements and gestures, 2. eye contact, and 3. facial expressions and movements, and secondly, the conscious use of non-verbal communication with the main target the lyrical themes have been transferred.

Keywords: Ethics, Non-verbal communication, Education, 'Orfi Shirazi, Sonnet.

۱- مقدمه

امروزه ارتباطات و قواعد و قوانین آن بر تمام امور زندگی جاری و حاکم است. سخن گفتن و کلام از راه‌های اصلی ایجاد ارتباط میان انسان‌هاست. چه‌بسا افراد در تعاملات ارتباطی خود از راه‌هایی غیر از کلام و سخن با دیگران بهره‌برده و راه ارتباط غیرکلامی را برای انتقال پیام برمی‌گزینند. به‌چنین روشی در انتقال پیام، ارتباط غیرکلامی گفته می‌شود. بنابراین «ارتباط غیرکلامی به تماس چشمی، حالات بدنی و زبان تن و حرکات چهره و به‌طورکلی هر پیام و معنایی گفته می‌شود که فرد از طریق بدن یا آهنگ صدا ابراز می‌کند» (محسنیان‌راد، ۱۳۹۹: ۳۱). دانش ارتباط غیرکلامی، به افراد کمک می‌کند تا در ارسال، دریافت، خواندن و تفسیر پیام‌های غیرکلامی توانمند شوند. به بیانی دیگر، فقدان آگاهی از دانش ارتباط غیرکلامی سبب می‌گردد تا فرد نتواند پیام‌های دیگران را به‌خوبی دریافت کند و پیام‌های مناسب و مطلوب به دیگران بفرستد. «برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که پیام‌های غیرکلامی صرفاً شقوق استفاده از زبان نیستند، بلکه به منزله نظامی ارتباطی، در مقایسه با زبان، خصوصیات بسیار متفاوتی دارند» (لیتل‌جان، ۱۳۹۹: ۷). نکته حائز اهمیت در برقراری ارتباطات غیرکلامی، نحوه و کیفیت انتقال پیام است به نحوی که بتوان با بهره‌گیری از توانمندی‌های زبانی، ادبی، ذوق و قریحه به نحوی جامع، پیام مورد نظر را مخاطبان ارائه نمود. این موضوع مهم، در میان آثار ادبی نویسندگان و شاعران، ملموس‌تر و جهت تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان همواره مورد توجه بوده است.

۱-۱- بیان مسأله

همانگونه که در فوق بدان اشاره شد، ادبا و نویسندگان در راه انتقال مفاهیم و معانی مورد نظر خود اعم از مفاهیم تعلیمی، غنایی و عرفانی و... از شیوة ارتباط غیرکلامی بهره‌فراوان برده‌اند. عرفی شیرازی، یکی از شاعران مشهور پارسی زبان نیز از ارتباطات غیرکلامی در غزلیات خود بهره‌برده است. مولانا محمدبن خواجه زین‌الدین شیرازی ملقب به جمال‌الدین و متخلص به عرفی از مشاهیر و شعرای قرن دهم هجری قمری در شیراز است. عرفی در سال (۹۲۳ ه. ق) در شیراز، به دنیا آمد و در خوش‌نویسی، موسیقی و شعر، تسلط کامل داشت. جمال‌الدین دو مثنوی به نام‌های «مجمع‌الابکار» و «فرهاد و شیرین» و رساله‌ای به نثر درباره تصوف به نام «نفسیه» نیز نگاشته است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۴۰۰: ۹۲). یکی از عناصر غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی حرکات و حالت چهره شامل: گریه، خنده، زبان گرفتن و سایر حرکات چشم می‌باشد. در میان اندام‌ها، چشم‌ها در انتقال احساسات بسیار مؤثرند و حالت‌های چشم و ابرو و صورت، بسیاری از مفاهیم را منتقل می‌کنند. لذا با توضیحات مختصر در باره زبان بدن و ارتباطات غیرکلامی، بیشتر غزل‌های عرفی شیرازی، سرشار از توصیف موقعیت بدنی و زبان بدن است که مستقیم و غیرمستقیم به انتقال هر چه بهتر، عمیق‌تر و ادبی‌تر مفاهیم و احساسات مختلف شخصیت‌ها و ایجاد ظرفیت‌های بلاغی و زیباشناختی برای داستان‌پردازی و ماندگاری ادبی کمک قابل توجهی کرده است. لذا هدف پژوهش حاضر، ارائه پاسخی مستدل و متقن بدین سوال است که: «مهمترین مصادیق ارتباطات غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی کدامند؟» در این پژوهش تلاش می‌شود تا به شیوة توصیفی - تحلیلی به سؤال اصلی پاسخ داده شود که مضامین غیرکلامی مورد استفاده در غزلیات عرفی شیرازی، چه مفاهیمی را در بردارند؟

۲-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

انتقال پیام در بین انسان‌ها به‌طور معمول از طریق ارتباط و پیام صورت می‌گیرد و ارتباط غیرکلامی را می‌توان زبان رفتار، حال، احساس، عواطف و هیجانات نامید. در اهمیت ارتباط غیرکلامی بایستی اذعان داشت پنهان و آشکار کردن نشانه‌های غیرکلامی بسیار دشوارتر از نشانه‌های کلامی است. نشانه‌های غیرکلامی گاه آن‌قدر می‌توانند قوی باشند که حتی پیام‌های کلامی را تحت نفوذ خود قرار دهند. لذا تحقیق در باره فرایند ارتباط غیرکلامی، به ویژه در متون ادبیات غنایی انگشت شمار است. از تعداد پژوهش‌های اندکی که در این خصوص به نگارش درآمده است، نپرداختن به ارتباط غیرکلامی در غزل‌های عرفی شیرازی، که آیینه فرهنگ و سنن و بازتاب باورها، افکار، اخلاق و زیبایی‌شناختی است، جای خالی پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد.

۳-۱- پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع پژوهش حاضر که شامل بررسی مصادیق ارتباط غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی است، تحقیقی صورت نگرفته است. البته نویسندگان و فرهیخته‌گان بسیاری، از زوایای مختلف آثار مختلف عرفی شیرازی را بررسی کرده‌اند، ولی این بررسی‌ها بیشتر به‌صورت ریشه‌یابی و پیشینه بعضی از اشعار، عرفان و... انجام شده است. با اینحال برخی از مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته که نحوی که با موضوع پژوهش مرتبط است، در ذیل به اجمال بررسی خواهند شد:

- عبدالله‌پور و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان: «تحلیل معناشناختی روابط غیرکلامی در غزل‌های سنایی» به این نتایج دست یافتند که اگرچه باب سخن و گفتگو با معشوق زیباروی در تاریخ ادبیات فارسی عموماً بسته است، اما روابط غیرکلامی با معشوق عتاب آلود قلندر در دیوان سنایی اغلب رفتاری و شناختی است. به این ترتیب این نتیجه حاصل شده است که روابط غیرکلامی در غزل‌های عاشقانه مبتنی بر روابط تصویری و حسی است و هر چه به سمت غزل قلندرانه پیش می‌رویم روابط انتزاعی تر و شناختی تر خواهد بود.

- پارسایی و عباسی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی و تحلیل ارتباطات غیر کلامی در شعر احمد مطر» به این نتیجه دست یافتند که احمد مطر در کاربرد ارتباطات غیر کلامی از نام آواها، زبان بدن، حرکات دست و صورت، دارایی‌ها و شرایط زمانه برای رسایی مقصود و در نهایت فضا بخشی در شعر خود به خوبی مدد جسته است.

- آزادی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان: «نشانه‌شناسی عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی» به این نتیجه دست یافتند که ایناس العباسی در ۵۳ مورد از عناصر ارتباطات غیر کلامی بهره برده است که بیشتر بیانگر مضامینی مانند غم و اندوه و... است. در مقابل در رمان حسن بیگی ۱۲۰ مورد ارتباط غیر کلامی به چشم می‌خورد که مفاهیمی مانند اضطراب و دلهره و... را به مخاطب انتقال می‌دهد. در رمان هردو نویسنده، عناصر پیرایان بیشترین کاربرد را در انتقال پیام داشته است؛ همچنین بیشترین کارکرد مورد استفاده آن‌ها، کارکرد جانمایی و پس از آن تکمیلی است. سایر کارکردها نیز در رمان‌ها بازتابی نداشته‌اند.

- داس زرین و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان: «فرایند ارتباطات غیرکلامی در مراثی خاقانی» به این نتیجه دست یافتند که فرایندهای ارتباطی غیرکلامی در مراثی خاقانی در شاخه‌های اصلی اندامی (۲۷٪)، محیطی (۲۳٪)، چهره (۲۰٪)، حرکتی (۱۸٪) و موسیقایی (۱۲٪) و اغلب متأثر از باورهای عامیانه و فرهنگی و اسطوره‌ای، سنت‌های ادبی و نیز نیازهای

روحي و رواني انسان است. پيوند بين ارتباطات غيركلامي با متن شعر به روش هاي تأكيد (۵۰٪)، تكميل (۳۰٪) و جايگزيني (۲۰٪) صورت گرفته است كه موجب تقويت بار عاطفي، جانداري تصاوير شعري، تازگي و پويائي زباني و نيز تأكيد و تشخص لحن غنائي مرثيه هاي خاقاني شده است.

-اولادي قاديكلايي و پارسايي (۱۴۰۰) در پژوهشي با عنوان: «تحليل ارتباطات غيركلامي در منظومه غنائي خسرو و شيرين» به اين نتيجه دست يافتند كه ظامي با استفاده از كاركردهاي غيركلامي زبان علامت، زبان عمل و زبان اشياء در اين منظومه فضاي دراماتيكي ايجاد کرده است كه از ميان اين فرايندهاي ارتباطي، «حركات و اشارات اندام» و «ارتباطات چشمي»، نقش بسزايي در جريان انتقال مفاهيم و پيام ها ايفا مي كنند.

-محمدنژاد عالي زميني و همكاران (۱۳۹۹)، با تحليل مقايسه اي «ارتباط غيركلامي در شعر كلاسيك فارسي و عربي؛ مطالعه موردی: تحليل زبان نگاه»، چنين بيان داشتند كه کاربرد زبان در فرايند ارتباط، زبان نگاه يا ارتباط چشمي، همواره اهميت فوق العاده اي داشته است. هر وقت نگاه بر تخت «سخن» نشسته است، پيام را حكيمانه رسانده و ضمن آن كه در برگيرنده يك زبان رمزي و اشارتي نيز بوده است.

۴-۱- روش تحقيق

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصيفي تحليلي و بهره گيري از منابع كتابخانه اي سعي در بررسي و ارائه پاسخي مستدل به هدف اصلي پژوهش يعني ارتباطات غيركلامي و كار بست انتقال پيام هاي اخلاقي و تربيتي در غزليات عرفي شيرازي دارد.

۴-۱-۵- چارچوب مفهومي، ارتباط غيركلامي

ارتباط غيركلامي يعني كليۀ پيام هايي كه افراد علاوه بر خود كلام، آنها را نيز مبادله نمايند، بنابراين، هر پيامي كه به كمك ابزاري غير از كلمات براي طرف مقابل ارسال مي شود، يك پيام غيركلامي است و دانشي كه مجموعه پيام هاي غيركلامي و شيوة ارسال و نحوه تأثير آنها بر مخاطب را بررسي و تحليل مي كند، دانش ارتباط غيركلامي ناميده مي شود» (فرهنگي، ۱۴۰۲: ۱۴). تجربه ارتباط كلامي و غيركلامي با توجه به فرهنگ بسيار كهن ايران و پيشينه تاريخي جامعة ايران، ديرينه مي باشد. با توجه به محتوای غني متون فارسي، مي توان انتظار داشت كه دريافت پيام با كدها و رمزهاي قراردادي، تنوع بسيار زيادي به وجود آورده است. يك اثر، هنري در حوزۀ ارتباطات انساني است. «هنرمند رمزي را چه به صورت كلماتي در شعر، تصاويري در يك پوستر يا صحنه ها و صداهايي در يك فيلم و غيره خلق مي كند. او از عناصر و ساختاري براي مجموعه كدها، محتوا و نحوه ارائه پيام خود استفاده مي كند و در واقع ترتيب مي دهد كه دريافت كننده اين مجموعه، نمادهاي قراردادي شناخته شده را در كنار نمادهاي تازه قرار گرفته به نحوي دريافت كند كه معني مورد نظر او در ذهن گيرنده متجلى شود» (همان: ۱۷).

كاربرد حرركات غيركلامي و درك آن در قلمرو ادبيات فرهنگ هاي مختلف متفاوت است. اين امر به عللي بستگي دارد از جمله: پشوانۀ ايدئولوژيك افراد و نيز بافتي كه حركت در آن انجام مي پذيرد و بر بنياد شم زباني تجزيه و تحليل مي شود. همين مسئله سبب مي شود يك نشانه و حركت غيركلامي در جوامع گوناگون معاني مختلفي را به ذهن خواننده منتقل كند. يكي از تفاوت هاي بنياديني كه ميان علايم زبان بدن در زندگي روزمره و در آثار ادبي وجود دارد اين است كه «بر خلاف آن چه در ارتباطات انسان ها در زندگي واقعي رخ مي دهد و زبان بدن مي تواند تقويت كننده رفتارهاي كلامي و زباني گوينده باشد» (پيز، ۱۴۰۲: ۱۶۰). رفتار

غیرکلامی در ادبیات بیشتر به عنوان یک نشانه یا دال، مدلول‌های بسیاری را در بردارد و در مواردی این امکان وجود دارد که حرکت اندامی گفتار شخصیت را در شرایطی خاص نقض کند. به طور کلی، بر اساس نظریات اندیشمندان علم ارتباطات رفتارهای غیرکلامی، کاملاً آموختنی و اکتشافی هستند و انسان‌ها در هر مرحله از سن خود می‌توانند این آموزش را ببینند و میزان نفوذ تأثیرگذاری خویش در دیگران را کنترل کنند، آن را افزایش دهند و از آن بهره ببرند (ریچموند، ۱۴۰۱: ۷۲-۷۳).

۲- بحث و بررسی؛ مصادیق و مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی

مصادیق و مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی عبارتند از: ۱- حرکات و اشارات بدن ۲- ارتباط چشمی ۳- حرکات و حالات چهره.

۱-۲- حرکات و اشارات بدن

۱-۱-۲- حرکات و حالات دست

ارتباط غیرکلامی دست می‌تواند جانشین حرکات و احساساتی باشد که عرفی شیرازی از آن بهره برده است. عرفی در ۱۳۸ غزل از غزلیات خود از حرکات و نشانه‌های دست استفاده نموده که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱-۱-۲-۱- دست شستن

در اشعار و متون ادبی برای افزایش جذابیت متن‌ها و شعرها از کنایه استفاده می‌شود که باعث گیرایی سخن و متون می‌شود. در واقع منظور خودشان را به صورت غیرمستقیم یا لحن ملایمی بیان می‌کنند. اصطلاح «دست شستن از کاری» به این معنا است که از انجام دادن آن کار ناامید شده است و دیگر نمی‌خواهد آن را انجام دهد و به اصطلاح از آن کار دست شسته است. عرفی - شیرازی از واژه «دست شستن» به عنوان کارکردهای ارتباط غیرکلامی در غزلیات خود استفاده نموده است و می‌گوید:

گر سلیمانی است و گر موری که در معنی گداست هر که دست از آبرو شست اول لب نانی شکست

شید صوفی طالبان کعبه را گمراه کرد نو مسلمانی در آمد فوج ایمانی شکست

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۱۶)

شاعر بیان می‌دارد وقتی اصطلاح دست شستن به کار می‌رود منظور و مراد ناتمام ماندن آن کار و بی‌نتیجه بودن آن است که همراه با ناامیدی و سلب مسئولیت می‌باشد و براین باور است که سلیمان و گدا هم باشی و جامه زرق و برق دار صوفیان را بر تن داشته باشی، هنگامی که پای آبرو در میان باشد، ایمان خود را ازدست خواهی داد.

۲-۱-۱-۲- دست بر کمر زدن

یکی دیگر از نشانه‌های دست، «دست به کمر زدن» می‌باشد که نشانه احساس برتری و احساس محق بودن فرد و کبر و غرور است:

عشق از طلب صحبت رضوان بود آزاد زهد است که دست هوشش در کمر اوست

(همان: ۱۱۸)

عرفی نیز دست به کمر گذاشتن را نشانه برتری داشتن به کسی یا چیزی دانسته و آن را ناشایست می‌داند، همچنین این حرکت را نشانه بی‌ادبی و بی‌احترامی نسبت به دیگران می‌داند.

۳-۱-۱-۲- دست بردامن زدن

دست بر دامان کسی زدن در معنی «متوسل شدن و از او یاری خواستن است». عرفی شیرازی در غزلیات خود بارها از این واژه ارتباط غیرکلامی بهره جسته است:

ساغر ز دست مردم آزاده چون کشیم لبریز گشته ایم ز خون، باده چون کشیم
ما مرد دستگیر کسی نیستیم، لیک دامن ز دست مردم آزاده چون کشیم
عرفی بهشت نسیه و بزم وصال نقد دست از عنان دولت آزاده چون کشیم

(همان: ۴۹۹)

عرفی در هنگام پریشان حالی خود به مردمان نااهل و آلوده و افسارگسیخته، توصیه می‌کند همواره دست به دامان پروردگار و پاکیزه نهادهی بزنند و دست یاری به سوی او دراز کنند و به خدا متوسل شوند تا بتوانند خودشان را از منجلاب گرفتاری نجات دهند.

۲-۱-۲- نشانه‌های حرکت پا

نشانه‌های حرکتی پا، یکی دیگر از نشانه‌های ارتباط غیرکلامی زبان بدن در غزلیات عرفی شیرازی است که در چندین غزل مورد بررسی قرار گرفت.

۱-۲-۱-۲- نشستن و سر نهادن روی پا

سر بر پا نهادن، نشانه کارکرد غیرکلامی تعظیم کردن است و نشستن بر روی پا دیگری، رسیدن به آرامش زیاد، دست یافتن به مالی بزرگ، همراه شدن همیشگی با معشوق و در نهایت شادمانی و رضایت است. عرفی شیرازی در غزلیات خود از این واژه استفاده نموده و می‌نویسد:

چون خرامد در دلم جان، هم چو آب زندگی سر نهاده در پای سرو قامت دلجوی او

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۵۳۹)

فرصتم نیست که در پای تو جان افشانم بس که می‌آیدم از دیدن بالای تو خوش
دل عرفی خبر از ناخوشیش نیست که نیست پایدار تو خوش و پای تمنای تو خوش

(همان: ۳۸۵)

به این که کعبه نمایان شود ز پا منشین که نیم گام جدایی هزار فرسنگ است

(همان: ۶۷)

شاعر، سر نهادن بر روی پای معشوق سرو قامت خود را نوعی تعظیم و احترام می‌داند و معتقد است نشستن بر روی پای معشوق نهایت رضایت و شادمانی را ارمغان می‌آورد و بالعکس پس از دیدن معشوق نباید از پای نشست، زیرا در این صورت هزاران فرسنگ از معشوق فاصله خواهید گرفت.

۲-۱-۲- پای کوبی

پای کوبی کردن در ارتباط غیرکلامی غزلیات عرفی شیرازی، نوعی دست‌افشانی کردن است. لذا شاعر بیان می‌دارد:

دل به دست و پای کوبان از حرم بگریختم وین سیه قن‌دیل را از خاک دیر آویختم
مایه دیریم، عرفی، عشوه ای در کعبه هم مدتی پرنسج ها از پرده می انگیختم

(همان: ۴۴۷)

در راه وفا کوشش و نازان سوی مستی تا سر نرود جنبش پا را نشناسیم

(همان: ۴۵۲)

با ساز و نوا باش و ببین تا چه سرودم ای آن که سنان پای زن نعره دف توست

(همان: ۱۲۰)

عرفی دست‌افشانی و پای‌کوبی کردن در زبان بدن را تا دست‌یابی به معشوق خود دنبال می‌کند و آن را رابطه‌ای بین انسان‌ها و نیروی حقیقی معشوق می‌داند، که انسان را از توجه به زمان و مشکلاتش دور می‌سازد.

۳-۲-۱-۲- پای‌فشردن

دهخدا، پای‌فشردن، یا پافشاری کردن را «نشانه‌ایستادگی و پایداری کردن می‌داند. ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه خود واژه پای‌فشردن را از کارکردهای ارتباط غیرکلامی می‌داند و معتقد بود که این واژه نشانه جنگ‌آوری، خشم و آماده شدن برای جنگ است و بیشتر در هنگام دیدن رستم به افراسیاب به این واژه تکیه می‌نماید» (فردوسی، ۱۴۰۲: ۳۴۸). عرفی شیرازی نیز در غزلیات خود از این واژه استفاده نموده و می‌نویسد:

پای بر یأس فشردم، غم امید گذشت که گمان داشت که این درد دواپی دارد

عرفی از مهد فلک زود نکردی امید این قیامی است که افشردن پایی دارد

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۳۰)

تو پای کعبه ای آماده کن که در هر گام هزار خضر به راه سراغ می‌روید

(همان: ۲۶۲)

عرفی معتقد است هر انسانی برای رسیدن به معشوق باید امید را در دل خود زنده نماید و در برابر یاس و ناامیدی ایستادگی و پافشاری کند تا به سر منزل مقصود برسد و آن را داروی درد و درمان ناامیدان می‌داند.

۲-۲-۲- ارتباط چشمی

کارکردهای غیرکلامی ارتباط چشمی در غزلیات عرفی شیرازی می‌توان به جادویی بودن چشم، عشوه‌گری، خشم و غضب و غم و غصه چشم اشاره نمود.

۱-۲-۲- سحر و جادو

جادو یا سحر، یکی از واژه‌های ارتباط غیرکلامی نشانه‌های تأثیرپذیری چشم در غزلیات عرفی شیرازی به کار رفته است:

ساحری کز آستین افشاند افسون ادب آتش اعجاز میرد، غمزه جادوی تست

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۱۲)

فلک نظر به که دارد که نیش غمزه او هراز ناوک جادوفکن فرو ریزد

(همان: ۲۴۹)

مستم دگر این بیخودی از بوی که دارم دیوانگی از غمزه جادوی که دارم

(همان: ۵۰۸)

عرفی، سحر و جادویی بودن چشم معشوق را موجب تأثیر خارق العاده بر روی قلب و عقل عاشق می داند که او را دیوانه وار به سمت خود می کشاند و از خود بی خود می نماید.

۲-۲-۲- عشوه گری

عرفی شیرازی در ارتباط غیرکلامی تأثیر پذیری چشم به واژه عشوه گری در چندین غزل اشاره نمود و می گوید:

جا که مست و غمزه زن، آن عشوه آئین می رود دل می چکد، جان می دهد، سر می برد، دین می رود

(همان: ۳۴۴)

دینم به عشوه ای رفت، باز آمدن مبادش ناموس هم عنان یافت، بر دودمان مبارک

(همان: ۴۲۰)

خوش با دل جمع آمدی، نازان به حسن خویشتن از عشوه گویا هر طرف، دل ها پریشان کرده ای

(همان: ۵۵۲)

دل بلبل به هر بادی هزاران راز می فهمد نپنداری که ناز و عشوه گل می کند کاری

(همان: ۴۶۱)

شاعر بر این باور است که معشوق با عشوه گری و حرکات چشم و ابرو، جان و دل، عقل و دین عاشق را به تسخیر خود در می آورد و او را شیفته و سرگشته خود نموده و دل هایشان را پریشان و افسرده می کند.

۲-۲-۳- خشم و غضب

شامل ابرو گرہ کردن یا چین ابرو و ناگشادگی و اشاره ابرو می شود که عرفی شیرازی در کل غزلیات خود در ۳ بیت از این واژه ارتباط غیرکلامی استفاده کرده است و معتقد است:

ما روی گرم را، دل و جان وقف کرده ایم این تحفه پیش ابروی نکشاده چون کشیم

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۹۹)

خوش ساعتی که می کرد، منعم ز گریه، محرم گردش به چین ابرو، منع از نصیحت من

(همان: ۵۲۴)

تا به خون ریزیم اشارت ها نمود ابروی او میل خون ریزی خود فهمیدم از هر موی او

(همان: ۵۳۹)

عرفی معتقد است تنگدل، غمناک و محزون گشتن چشم معشوق در اثر چین و چروک ابرو، همه ناگفته‌های عشق را به عاشق می‌فهماند و عاشق دست از افعال نابکار خود می‌کشد و دل و جان خود را وقف معشوق می‌نماید.

۴-۲-۲- غم و غصه

غم و غصه، یکی دیگر از مضامین ارتباط غیرکلامی تاثیرپذیری چشم به کار رفته در غزلیات عرفی شیرازی است که به عناوین مختلف در غزلیات شاعر جلوه نموده است.

الف) چشمه خون

گاهی اوقات عروق خونی موجود در چشم، دچار آسیب دیدگی و پارگی می‌شود. در نتیجه لکه خون در سفیدی چشم نمود پیدا می‌کند و طشتی از خون مشاهده می‌گردد. عرفی شیرازی از این واژه غیرکلامی در برخی از غزل‌ها بهره جسته است و می‌نویسد:

احباب گلفشان به لب جویبار و من خونم ز دیده جوشد و بر طرف جو چکد

(همان: ۲۰۱)

به یادم هرگز آن نخل قد موزون نمی‌آید که از هر دیده ام صد چشمه خون بیرون نمی‌آید

(همان: ۲۵۹)

خوش دل بدانم ار بچکد خون دل ز چشم دل خون خویش می‌خورد، از دیده خون چکد

دل نیست این درد فشان است و خون چکان دردی ز درد جوشد و خونی ز خون چکد

عرفی نگویمت بچکان خون دل ز چشم گر ننگ صبر نیست بهل تا برون چکد

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۲۲)

عرفی معتقد است از غم و اندوه درد و ناله‌های سهمگین فراق و دوری عاشق، سیل و جویباری از خون از چشمانش سرازیر می‌شود و دیدگانش همانند صد چشمه خون می‌گردد و تا اعماق وجودش جریان می‌یابد.

ب) چشم تر

دهخدا، چشم تر را به چشمی که گریان است» معنی نموده است (دهخدا، ۱۳۸۸: ۲۶۷). عرفی شیرازی از این واژه ارتباط غیرکلامی در تاثیرپذیری چشم می‌گوید:

گر نخل وفا بر ندهد چشم تری هست تا ریشه در آب است امید ثمری هست

(همان: ۱۲۷)

تا کی از گریه توان منع دو چشم تر خویش بعد از این ما و خجالت به نصیحت گر خویش

(همان: ۳۹۸)

شاعر چشم تر معشوق از رسانیدن راحتی بعد از محنت و چشانیدن محنت در عقب راحتی که موجب خوف و رجا است اشاره می نماید و از شدت ترس و خوف است که نمی تواند مانع اشک ریختن از چشمان خود گردد.

ج) آب چشم

آب چشم، نیز هم سویی با چشم تر دارد و کنایه از چشم گریان و خیس است. آب چشم نیز واژه ایی است که در غزلیات عرفی شیرازی با آن برخورد نمودیم و شاعر از این واژه ارتباط غیرکلامی در نشانه تاثیرپذیری چشم بهره برده است:

کیست تا گوید به شیرین کز هوای جلوه ات آب چشم کوهکن داخل به جوی شیر شد

(همان: ۳۰۳)

شاعر از فراق و دوری فرهاد کوهکن نسبت به معشوقش (شیرین) از واژه غیرکلامی «آب چشم» استفاده نمود که اشک چشم فرهاد در شیر مخلوط گشته و به شیرین رسیده است تا از این طریق دوری و جدایی را به شیرین اثبات نماید.

د) چشم عشاق

حالتی است از چشم عاشق، که با بر هم زدن آن در دلربائی و عشوه گری استفاده می گردد. عرفی شیرازی از چشم عشاق در ارتباط غیرکلامی تاثیرپذیری چشم می نویسد:

به جوش عشق بنازم که از شکاف دلم به جای قطرة خون درد و داغ می ریزد

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۵۱)

شاعر بیان می دارد که چشم عاشق از عدم التفات است که از لوازم استغناست و به مردمی و دلنوازی ای که از لوازم مستی است تعبیر می شود و از عشقی که نسبت به معشوق دارد می بالد و افتخار می کند.

۳-۲- حرکات و حالات چهره

چهره، «نخستین جایگاه نشان دهنده وضعیت عاطفی افراد است و در روابط غیرکلامی میان فردی و اجتماعی نقش به سزایی را ایفا می کند» (فرهنگی، ۱۴۰۲: ۲۷) زیرا می توان بازخوردهای شخصی و اجتماعی کلام و پشامدهای پیرامون را در حالت های چهره جستجو کرد. درواقع چهره پس از سخن گفتن، مهم ترین منبع اطلاعاتی افراد است. به طور کلی در چهره انسان، شش هیجان مختلف و اساسی به روشنی تجلی می کند که شامل: خشم، ترس، شادی، غم، تعجب و تنفر. «یافته های روان شناسان نشان می دهد که ارتباط میان تجارب هیجانی و حالات چهره، ارتباطی واقعی و بسیار اساسی است» (اثباتی، ۱۳۸۹: ۸۳). در این صورت، حرکات و حالات چهره، به عنوان مهم ترین جنبه از زبان بدن در غزلیات عرفی شیرازی نمایان می شود که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد.

۱-۳-۲- ظاهر و زیبایی چهره

ظاهر و زیبایی چهره در لغت به معنی «زیبا، خوب روی، خوش صورت، دارای چهره زیبا و قشنگ می باشد» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل خوش چهره). زیبایی، به دو مفهوم زیبایی مادی و زیبایی معنوی تقسیم می شود و بیشتر بر روی زیبایی معنوی تأکید می شود، اما انسان به کسب زیبایی مادی هم تشویق می شود. زیبایی معنوی چهره با اعمالی مانند نماز و دعا حاصل می شود و زیبایی مادی و ظاهری چهره نیز به صورت طبیعی به وسیله امور مادی به دست می آید. این واژه ها در قرآن کریم، به صورت های مختلف (مانند مصدر و اسم) به کار برده شده و زیبایی به این معنا مورد مدح و ستایش قرار گرفته است؛ مانند: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ» (غاشیه/۸) جمعی دیگر رخسارشان شادمان و خندان است».

عرفی شیرازی نیز از خوش چهره بودن و روی زیبا در تعدادی از غزل ها و در ارتباط غیرکلامی از آن بهره برده است:

صورت حال چون شود، بر تو عیان که همچو سرو ناز تو جنبش از قلم، چه ره گشای راز را

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۷)

چو فروزی عالمی را، وه چه کم داری ز حسن چهره زیباست، داری، قامت رعناست، هست

(همان: ۱۲۵)

گر بمیرم بنما چه ره به من روز وصال حسرت روی تو حیف است که از دل برود

(همان: ۱۶۵)

بنمای رخ که چه ره نمی داند از نقاب چشمی که مست گریه بی اختیار شد

(همان: ۳۲۱)

شاعر علاوه بر اشاره به نورانیت معنوی چهره، از واژه «چهره زیبا» به معنای نیکویی و زیبایی ظاهری چهره نیز استفاده کرده است و معتقد است علائم چهره برخلاف ژست ها و حالات بدن، قد و قامت، رخ نمایانند، فرافرهنگی و از نظر ارتباطات حالت ارادی هستند:

عرفی در تعدادی دیگر از غزلیات خود از واژه یوسف چهره بودن استفاده کرده است و می نویسد:

بر حذر باش که در چه نفتد یوسف دل کاین زمان اهل مدد را گذری بر چه نیست

(همان: ۱۴۶)

از سفر می آیی و تاراج عزت کرده ای کاروان حسن یوسف نیز غارت کرده ای

(همان: ۵۵۰)

همان طور که از ابیات بالا پیداست، اساساً در باره شرح حالت های چهره مانند یوسف چهره بودن معشوق اشاره دارد که به تنهایی نمونه خوبی برای چهره زیبا و درخشان معشوق در ارتباطات غیرکلامی محسوب می گردد.

۲-۳-۲- خنده

از میان تمام حالات چهره، خنده یکی از ارزشمندترین و امیدوار کننده ترین حالت های چهره انسانی است. خنده از نمودهای چهره ای غیرگفتاری و ابزار کمکی زبان بدن می باشد. خنده می تواند در شرایط گوناگون معانی متفاوت داشته باشد. رضایت، شادکامی و عشرت از مفاهیمی است که از خنده القا می شود.

یکی از نیروهای محرکه در ارتباط غیرکلامی غزلیات عرفی «لبخند زدن» می باشد که در برخی از غزلیات شاعر به آن اشاره شده است:

آن خنده که دی ساغر جم داشت به خورشید بر جام جم و مجلس کی می کنم امشب
(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۳)

هر خنده دریچه گشاینده غم است هر انتعاش نایرة قفل ماتم است
(همان: ۷۱)

در محبت لب خشک و دل تر می خندد مست مخمور در این تنگ شکر می خندد
اهل دل خنده زنانه و نمی بیند کس لب این جمع به آیین دگر می خندد
ای کلیم، آتش ایمن، گل مقصود تو، چیست به تمنای محال تو شجر می خندد
(همان: ۲۲۷)

شاعر، خندیدن را به جام جم، امید و امیدواری و ابراز محبت متصل نموده و سخنان رضایت بخش و شاد توأم با خنده را به دریچه گشاینده غم تشبیه نموده است و معتقد است خنده بر لب داشتن، محبت ویژه ای از سوی معشوق است که بر هر آتش اهریمنی فائق می آید و آن را محو می کند.

۳-۲-۳- گریه و غم

غم توأم با گریه، حالت چهره ای خاصی ندارد. غمگینی، یأس، ناامیدی و افسردگی و گریستن با فقدان حالت خاصی در چهره نمایان می شود. عرفی شیرازی در برخی از غزلیات خود از این واژه ارتباط غیرکلامی بهره برده است:

گریه را ذوق است کافر تهمتی باعث نشست و نه یوسف در گریبان است یعقوب مرا
(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۱)

خاموشی من قفل نهان خانه عشق است افسانۀ من گریۀ مستانه عشق است
(همان: ۶۵)

جهان درمردن دل، گریه و سوز است، عرفی را که گویی در عزای عاشق جانانه می گرید
(همان: ۲۸۱)

شاعر، گریه کردن را نشان از هجران و دوری عشق می داند که به صورت های متفاوت در غزلیات ترسیم شده است و گاهی با رنگ سیاه همراه است و گاهی گریه کردن را به معنای ناتوانی انسان نمی داند، بلکه نشان دردی است که تحمل نمی شود می پندارد. عرفی در فراق و دوری معشوق می نویسد:

از هوس آزادم اما آن چه دل را می گزد اشتیاق یوسفی و گریۀ یعقوبی است
(همان: ۱۰۳)

خوش آن که حیرتم از جلوة جمال تو باشد هجوم گریه ام از باده وصال تو باشد
(همان: ۲۷۵)

گاهی به یاد سرو قدی، گریه هم خوش است تا کی ز شوق سدره طوبا گریستن

(همان: ۵۲۱)

شاعر هجران و دوری عاشق نسبت به معشوق را دردی لاعلاج می داند که هر عاقلی را دچار ترس و وحشت می نماید و گاهی گریه های بی امانش را از روی شادی وصف ناپایر و رسیدن به وصال معشوق می داند.

۴-۳-۲- خشم

خشم، «با نگاه محکم و ثابت به منبع رنجش، اخم یا ترش رویی و به هم فشردن دندان از کارکردهای غیرکلامی مشخص می شود. در هنگام هجوم خشم، کل بدن به هیجان در می آید». عرفی شیرازی در ۵ غزل از غزلیات خود از واژه خشم استفاده نموده است:

غمگساری در لباس دشمنی محبوبی است خشم و ناز آرایش بیرون و بزم خوبی است

(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۰۳)

به افسون می کند آلوده درد عافیت بخشم بیا ای مرگ و آزادی ببخش از ننگ افسونش

(همان: ۴۱۰)

دل به خشم از دلبر و من گرم صلح انگیزیم دم مزن ناصح که طوطی بهر شکر می خرم

(همان: ۵۰۳)

شاعر خشم را یکی از حالت های غیرکلامی چهره می داند که اثر پیام های کلامی را تقویت می کند. خشم در پیشانی و اندوه در چهره معشوق را مانع درد عافیت و سلامتی می داند و همواره به دنبال صلح و شادی با معشوق است.

۵-۳-۲- رنگ چهره

۱-۳-۲- سرخ رویی یا گل رخ

یکی از مضامین رنگ چهره در ارتباط غیرکلامی، سرخ رویی می باشد. تقریباً هر کس با مذاکره و زبان بدن آشنا باشد، بحث زبان چهره و بیان احساسات توسط چهره را شنیده و دیده است. رنگ چهره، به دلیل ویژگی نمایشی و جنبه بصری قابل ملاحظه اش، نقش مهمی را در ارتباط غیرکلامی و افشای هیجانات ایفا می کند. سه رنگ اصلی چهره در تعبیر شامل:

الف) زرد رویی: در بافت های مختلف با معنایی چون بیمار و ضعیف حال، ترسان و هراسان، غمناک و اندوهگین، محروم و ناامید، شرمسار و خجالت زده و نشان عاشق راستین است.

ب) سرخ رویی: با معنی های خشمگین، شادمان، سالم و تندرست، شرم و تشویش.

ج) سیاه رویی: با معنی چون گناهکار و رسوا بسیار مورد نظر شاعران ما بوده است. «معمولاً رنگ زرد و سیاه و لاژوردی، از کارکردهای غیرکلامی برای توصیف هیجان های منفی و رنگ سرخ و ارغوانی جهت توصیف و نمایش هیجان های مثبت به کار می رود» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۱: ۲۲۷).

عرفی شیرازی نیز در زمینه سرخ رویی عاشق می نویسد:

- گل گل فتاده پرتو رویت در انجمن این بزم عیش نیست، گلستان فتنه است
(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۰۱)
- چون گل رخسار او، ز آتش می بفروخت شمع شبستان گداخت، رنگ گلستان شکست
(همان: ۱۱۵)
- گلرخان محنت نایافت بیابند مگر یک نفس چاک بیند گریبانی چند
(همان: ۱۹۸)
- شاعر معتقد است چهره سرخ و گل افتاده دلیل بر عیش و نوش نیست، بلکه خوش دلی و پیروزی را برای عاشق به ارمغان می آورد و نشان دهنده شادمانی و سلامتی عاشق و معشوق می باشد.
- ۲-۵-۳-۲- زردرویی
- زردرویی، در لغت به معنی «شرمسار و شرمنده بودن» می باشد (دهخدا، ۱۳۸۸: ۳۹۱). عرفی شیرازی بارها از واژه زردرو استفاده کرده است. لذا شاعر در غزلیات خود اینچنین بیان می دارد:
- از فسون عافیت بر می فروزم روی زرد در مزاج من بخار دوزخ و افسون یکی است
(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۰۸)
- کی بر اهل کرم روی طلب زرد کنیم ما که از جرعه جام کرم افروخته ایم
(همان: ۴۳۵)
- می نوشم و گلگون شوم و بیهوده خندم تا از غم دنیا رخ من زرد نـدانی
(همان: ۵۶۳)
- عرفی معتقد است انسان هایی که از خوردن می (غیرمعنوی) چهره شان گلگون می گردد و همواره در عیش و نوش و سرور و شادی بسر می برند، هرگز رنگ و رخسار زردگون خود را در برابر معشوق نمی بینند و از این عمل شرم آور دست نمی کشند.
- ۳-۵-۳-۲- سیاهرویی
- سیاهرویی «در اثر حالت رسوایی و بی آبرویی در انسان ها ظاهر می گردد» (دهخدا، ۱۳۸۸: ۲۵۵). شاعر در ارتباط با سیاه-رویی در کارکردهای غیرکلامی می نویسد:
- ای روی غم سیاه که از شرم گریه ام بر پشت پا دوخته چشم سیاه را
(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۱)
- عمرها شد کز جحیمم در بهشت آورده اند وز غبار ظلمت عصیان سیه رویم هنوز
(همان: ۳۷۸)
- عرفی شیرازی معتقد است در ارتباط غیرکلامی، سیه رویان کسانی هستند که ظلمت و سیاهی درون شان به بیرون سرایت نموده و آنها را سیه چهره نموده است و این روسیاهان همواره غرق در عذاب و فلاکت و عصیان هستند.

۳- بحث و نتیجه‌گیری

ارتباطات، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بشری است که انسان را قادر می‌سازد خواسته‌ها و نیازهای خود را به دیگران انتقال دهد و افکار و تمایلات آنان را دریافت کند. ارتباط غیرکلامی؛ یک بخش طبیعی و ضروری ارتباط است. با نگاهمان، علاقه، تحسین، حقیقت، عشق، پذیرش، امید، اعتماد، نفرت، تحقیر و... را به دیگران منتقل می‌کنیم. ارتباط غیرکلامی با تماس چشمی، حالات بدنی و زبان تن و حرکات چهره و به طور کلی هر پیام و معنایی گفته می‌شود که فرد از طریق بدن ابراز می‌کند. قسمت مهمی از غم موجود در غزلیات عرفی شیرازی، غم عشق است که بسیاری از حرکات بدن و ارتباطات غیرکلامی در آن نهفته است. چون وی معتقد است که جای مهر و وفا در دل غمگین است و مکیدن لب عشق را از شدت غم نشسته بر دلش می‌داند. عرفی، سرشتی عاشقی دارد. عاشق حُسن است و حُسن، عشوه، و کرشمه یکی از تعابیر پربسامد غیرکلامی غزلیات شاعر می‌باشد. عرفی، شاعری است که در مصادیق حواس معنوی و اموراتزاعی افکار و اصطلاحات عرفانی را با مضامین عاشقانه درآمیخت. او در یک ضلع مثلث شعر غنایی و تعلیمی و قلندری، در کنار عطار، مولوی و سنایی جای دارد.

از طرفی، ارتباط تنگاتنگ شعر و موسیقی، موضوعی انکارناپذیر عرفی شیرازی است که عموم اهل فرهنگ و هنر، به ویژه ادبا و موسیقی‌دانان به آن باور دارند، گویی این دو هنر آسمانی، از یک جایگاه برخاسته اند تا زیبایی‌ها را به آدمی بنمایانند و ضمن تلطیف روح، او را در رسیدن به کمال و درک جمال خداوندی یاری کنند. شعر و موسیقی، زبان دل و احساس اند و بی‌گمان آنچه از دل خیزد لاجرم بر دل نشیند و همچنین است نثرهای فصیح و دلنشین. وجود آدمی از جسم خاکی و نفس افلاکی ترکیب یافته است. شعر تسلی بخش ناکامی‌ها و موسیقی مونس و غمخوار دوران تنهایی‌ها و سختی‌ها و بدبختی‌های بشر بوده است. عرفی شیرازی، مضامین و مطالب گذشتگان را به طریقه خود بازآفرینی می‌کرد و از آنجا که به دنبال معنی بیگانه و نوگرایی بود، تصاویر و مضامین مختلف را به صورت‌های متنوع و پیچیده تفسیر و معنی می‌کرد و به همین دلیل ظرافت و هنجارگریزی زبانی و معنایی در این دوران به اوج خود رسید. به کارگیری ترکیبات فشرده و اضافی در اشعار عرفی، بسامد بالایی داشته و این گونه ترکیبات در حوزه نوآوری و خیال‌پردازی، برجستگی خاص سبکی در اشعار او به شمار می‌رود.

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر این‌که: مصادیق اصلی ارتباط غیرکلامی غزل‌های عرفی شیرازی کدامند؟ باید گفت عرفی شیرازی با استفاده از ظرفیت‌های غیرکلامی زبان بدن، از حرکات و اشارات مختص چهره و رفتار چشمی، سر و صورت، چهره، دست و پا، کمر، عشق، نمادها و برخی صفات مختص به آنها به انتقال معنا و ترسیم فضای عاطفی پرداخته است. این نتایج نشان می‌دهد؛ ارتباطات غیرکلامی در غزل‌های عرفی شیرازی، با توصیف مفاهیمی نظیر: ویژگی‌های رفتاری، پرداختن به اجزاء ظاهری بدن بازتاب یافته است و کارکرد ارتباطات غیرکلامی زبان بدن در غزلیات عرفی شیرازی کمتر از اهمیت و کارکرد ارتباطات زبانی نیست و از بین همه ارتباطات غیرکلامی در غزل‌های عرفی شیرازی، مصادیق اصلی ارتباطات غیرکلامی عبارتند از: ۱- حرکات و اشارات بدن ۲- ارتباط چشمی ۳- حرکات و حالات چهره.

در یک جمع بندی کلی بایستی اذعان داشت غزلیات عرفی شیرازی از نظر سبکی در محدوده سبک هندی قرار می‌گیرد؛ اما نمی‌توان او را یک شاعر تمام و کمال متعلق به سبک هندی به‌شمار آورد. وی در غزلیاتش بیشتر تحت تأثیر سبک عراقی بوده و از مضامین و محتوای آن استفاده کرده است. او از جمله شاعرانی است که از مضمون و گفتار پیشینیان دست کشیده و طریقی

تازه را آغاز کرده است. در واقع جریان «تازه گویی» یا همان جریان معروف به سبک هندی بدو استواری یافته است و در میان متقدمان عصر صفوی، او موفق‌ترین شاعری است که به این شیوه رسمیت بخشیده به گونه‌ای که می‌توان وی را از مخترعان طرز تازه دانست. حس آمیزی، اسلوب معادله، تشبیهات دور از ذهن که از خصوصیات سبک هندی است در غزلیات وی بسامد بالایی دارد و از دیگر خصوصیات آن استفاده از قافیه‌های تکراری در یک غزل، ردیف‌های طولانی، ایجاز بیت‌های مردف، اجتناب از اوزان نادر در غزلیات عرفی دیده می‌شود. پیام‌های غیرکلامی در غزلیات عرفی شیرازی، نشانه‌هایی برای شخصیت‌آفرینی و شناسایی شخصیت، معرفی شخصیت‌ها، روابط میان‌فردی، موقعیت‌های روانی، اثبات، زمان و فرهنگ خاص‌شان هستند. یکی از عناصر غیرکلامی در غزلیات عرفی حرکات و حالت چهره شامل: گریه، خنده، زبان گرفتن و سایر حرکات چشم می‌باشد. در میان اندام‌ها، چشم‌ها در انتقال احساسات بسیار مؤثرند و حالت‌های چشم و ابرو و صورت، خیلی از مفاهیم را منتقل می‌کنند. روابط غیرکلامی عاشقانه در غزل‌های عرفی به جایگاه و قدرت معشوق و عاشق، نوع غزل و انتخاب سبک بیان روایی و غیرروایی و نیت طرفین برقرار می‌شود. ارتباط غیرکلامی معشوق به صورت حسی و تصویری است. رویکرد گسترده عرفی شیرازی به تصویرسازی از حرکات و نشانه‌های رفتاری می‌تواند به جلب توجه مخاطب و ایجاد زمینه‌های بازاندیشی در کنش‌های غیرکلامی؛ بهره‌گیری از معانی و مفاهیم کنش‌های غیرکلامی برای نمایش ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی؛ واقع‌نمایی شخصیت‌ها و ترسیم کیفیت ارتباطات غیرکلامی در انتقال فضای عاطفی منجر گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آزادی، سکینه؛ شوهانی، علیرضا وشوکتی، آیت. (۱۴۰۱). «نشانه‌شناسی عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۱۲(۲)، ۱-۲۴.

اثباتی، بهروز. (۱۳۸۹). مبانی ارتباطات. تهران: ساقی.

اولادی قادی‌کلایی، افسانه و پارسایی، حسین. (۱۴۰۰). «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در منظومه غنایی خسرو و شیرین». زبان و ادب فارسی، ۱۳(۴۸)، ۶۲-۹۹.

پارسایی، محبوبه و عباسی، نسرين. (۱۴۰۲). «بررسی و تحلیل ارتباطات غیر کلامی در شعر احمد مطر». پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، ۱۵(۱)، ۱۴۷-۱۶۸.

پنز، آلن. (۱۴۰۲). زبان بدن؛ ارتباط غیر کلامی: راهنمای تغییر زبان بدن. ترجمه سمیرا ابادری قره بلاغ، تهران: هورمزد.

داس زرین، جمشید؛ اسکویی، نرگس و داداشی، حسین. (۱۴۰۲). «فرایند ارتباطات غیرکلامی در مراثی خاقانی». پژوهشنامه ادب غنایی، ۲۱(۴۰)، ۴۱-۵۸.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۸). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

ریچموند. ویرجینیا. (۱۴۰۲). رفتار غیرکلامی. ترجمه فاطمه سادت موسوی، تهران: دانژه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۴۰۱). موسیقی شعر. تهران: آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۴۰۰). شاعر آینه‌ها. تهران: آگاه.

صبوری، نرجس بانو و ذبیح‌نیا عمران، آسیه. (۱۳۹۷). «بررسی مفهوم‌سازی‌های «چشم» در غزلیات حافظ از دیدگاه شناختی». پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، ۷(۲)، ۱۱۵-۱۳۴.

عبدالله‌پور، فاطمه؛ تسلیمی، صفا؛ فلاح، علی و عرب، زهره. (۱۴۰۲). «تحلیل معناشناختی روابط غیرکلامی در غزل‌های سنایی». پژوهش‌نامه مکتب‌های ادبی، ۷(۲۱)، ۱۸۴-۱۶۶.

عرفی شیرازی، جمال‌الدین سیدی. (۱۳۷۸). دیوان (غزلیات). به تصحیح محمد ولی‌الحق انصاری، تهران: دانشگاه تهران.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۴۰۲). شاهنامه فردوسی. تهران: قطره.

فرهنگی، علی اکبر. (۱۴۰۲). ارتباطات انسانی. تهران: رسا.

لیتل جان، استفان. (۱۳۹۹). تئوری‌های ارتباطات انسانی. ترجمه علی رستمی، تهران: روزنه.

محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۹). ارتباط‌شناسی. تهران: سروش.

محمدنژاد عالی زمینی، یوسف؛ رضایی، رمضان و علی اکبری، پریناز. (۱۳۹۹). «تحلیل مقایسه‌ای ارتباط غیرکلامی در شعر کلاسیک فارسی و عربی». پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، ۲(۴)، ۲۷۴-۲۹۴.

References

Holy Qoran

- Abdollahpour, F. , Taslimi, S. , Fallah, A. , & Arab, Z. (2023). Non-Verbal Relations in Sanai's Lyrics. *Research Journal of Literacy Schools*, 7(21), 166-184. [In Persian]
- Azadi, S., Shohani, A., & Shokati, A. (2022). Semiotic Study of Non-Verbal Communicative Elements in the Novels of Bouraghiba House by Ines Abbasi, and Shabe Nasoor by Ibrahim Hassanbeigi. *Research in Comparative Literature*, ۱۲(۲), ۱-۲۴. [In Persian]
- Daszarrin, J. , Oskouie, N. and Dadashi, H. (2023). The process of non-verbal communication in Khaghani's elegies. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 21(40), 41-58. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (2009). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Esbati, B. (2010). *Fundamentals of Communication*. Tehran: Saghi. [In Persian]
- Ferdowsi, A. (2023). *Shahnameh*. Tehran: Ghatreh. [In Persian]
- Farhangi, A. A. (2023). *Human Relations*. Tehran: Rasa. [In Persian]
- Littlejohn, S. (2020). *Theories of Human Communication*. Translated by Ali Rostami, Tehran: Rozanha. [In Persian]
- Mohammad Nezhad Ali Zamini, Y. , Rezaei, R. and Ali Akbari, P. (2020). A Comparative Study of Non-Verbal Communication in Ancient Persian and Arabic Poetry. *Literary Interdisciplinary Research*, 2(4), 274-294. [In Persian]
- Mohsenianrad, M. (2020). *Communication*. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Oladi Ghadikolaie, A., and Parsaei, H. (2021). Analysis of Nonverbal Communication in the Lyrical System of Khosrow and Shirin. *Persian Language and Literature*, 13(48), 62-99. [In Persian]
- 'Orfi Shirazi , J. (1999). *Divan (Ghazals)*. Edited by Mohammad Vali-ul-Haq Ansari, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Parsaie, M., and Abbasi, N. (2023). A Study and Analysis of Nonverbal Communication in Ahmad Matar's Poetry. *Research in Arabic Language and Literature Teaching*, 5(1), 147-168. [In Persian]
- Pease, A. (2023). *Body Language; Nonverbal Communication: A Guide to Changing Body Language*. Translated by Samira Abazari Ghareh-Bolagh, Tehran: Hoormozd. [In Persian]
- Richmond. V. (2023). *Nonverbal Behavior*. Translated by Fatemeh Sadat Mousavi, Tehran: Danzheh.
- Sabouri, N. and Zabihnia Omran, A. (2018). The Study of "Eye" Conceptualizations in Hafiz's Sonnets from a Cognitive Point of View. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 7(2), 115-134. [In Persian]
- Shafi'i Kadkani, M.R. (1401). *Poetry Music*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Shafi'i Kadkani, M.R. (2021). *Poet of Mirrors*. Tehran: Agah. [In Persian]